

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در دو جلسه گذشته فرعی مطرح شد و آن، اینکه اگر بعد از خواندن نماز، از مکلف حدث اصغری صادر شود و سپس او شک کند که آیا قبل از نماز، غسل جنابت را انجام داده است یا غسل جنابت را انجام نداده است، در این صورت، وظیفه او برای نماز بعدی که می‌خواهد بخواند چیست؟

عرض شد که سه صورت برای این فرع قابل تصویر است که صورت اول در دو جلسه گذشته به طور مفصل ذکر و بررسی شد. **صورت دوم**، فرضی است که بر خلاف فرض اول، دو نمازی که شخص می‌خواهد بخواند مترتب بر هم نیستند، مثل اینکه شخص نماز قضا را خوانده است و بعد از نمازی که خوانده است، حدث اصغر از او صادر شده است و اکنون می‌خواهد نماز ظهر را بخواند، لکن شک می‌کند که آیا قبل از خواندن نماز قضا، غسل جنابتی که بر عهده‌اش بوده است را انجام داده است یا انجام نداده است؟ پس فرض مسأله، موردی است که شخص نماز قضا را می‌خواند و سپس حدثی از او صادر می‌شود و او می‌خواهد نماز ظهر را نیز بخواند، اما در اینکه آیا قبل از خواندن نماز قضا، غسل جنابتی که بر عهده‌اش بوده است را انجام داده است یا انجام نداده است، شک دارد، اکنون وظیفه‌اش چیست؟

عرض می‌شود که در این صورت نیز همان حکمی مطرح است که در رابطه با صورت اول بیان شد و آن، اینکه مکلف باید احتیاط کند و برای خواندن نماز ظهر، هم غسل کند و هم وضو بگیرد. بنابراین، بین صورت اول و صورت دوم تفاوتی نیست و تنها تفاوتی که وجود دارد این است که علم اجمالی مطرح شده در صورت اول، به علم تفصیلی نسبت به بطلان نماز بعدی (نماز عصر) تبدیل می‌شد و این بطلان یا به خاطر بطلان نماز ظهر در متن واقع بود که از ناحیه عدم غسل جنابت می‌آمد یا این بطلان به خاطر عدم وضو بود، لکن علم اجمالی مطرح شده در صورت دوم، به علم تفصیلی نسبت به بطلان نماز ظهر تبدیل نمی‌شود زیرا نماز قضا و نماز ظهر، مترتب بر هم نیستند که از بطلان نماز قضا، بطلان نماز ظهر لازم آید، اما چون در صورت دوم نیز همانند صورت اول، علم اجمالی وجود دارد [که یا تکلیف غسل متوجه مکلف و آن در صورتی است که برای نماز قضا غسل جنابت را انجام نداده باشد یا تکلیف وضو متوجه اوست، در صورتی که برای نماز قضا غسل جنابت را انجام داده باشد]، نسبت به نماز قضا، قاعده فراغ جاری نمی‌شود لذا شخص باید احتیاط کند و برای خواندن نماز ظهر، هم غسل کند و هم وضو بگیرد تا فراغ ذمه برای او حاصل شود و همچنین، نماز قضایی را که خوانده است نیز باید اعاده کند چون همان‌طور که عرض شد، نسبت به آن قاعده فراغ جاری نمی‌شود.

صورت سوم، فرضی است که شک مکلف بعد از انقضای وقت نمازی باشد که انجام داده است، یعنی بعد از اینکه مکلف نمازش را خواند و وقت آن نماز منقضی شد، حدثی از او خارج شود و سپس شک کند که آیا قبل از خواندن نماز، غسل جنابت را انجام داده بود یا غسل جنابت را انجام نداده بود، مثل اینکه شخص، نماز عصر را بخواند و وقت آن تمام شود و بعد از انقضای وقت نماز عصر،

حدثی از شخص صادر شود و او بخواهد نماز مغرب را بخواند و شک کند که آیا قبل از نماز عصر غسل جنابت را انجام داده است یا غسل جنابت را انجام نداده است، اکنون وظیفه مکلف چیست؟

در این صورت نیز همانند دو صورت قبلی وظیفه مکلف این است که برای خواندن نماز مغرب، هم باید غسل کند و هم وضو بگیرد چون در این فرض نیز همانند صور قبلی، علم اجمالی وجود دارد زیرا شخص می‌داند که نسبت به نماز مغرب، یا مکلف به غسل است و آن در صورتی است که برای نماز عصر غسل نکرده باشد و یا مکلف به وضو است، در صورتی که برای نماز عصر غسل کرده باشد. در این فرض، ترتبی بین نمازی که خوانده است و نمازی که می‌خواهد بخواند وجود ندارد و تفاوت این فرض با صورت اول و دوم این است که در این صورت، وقت منقضی شده است، ولی در صورت اول و دوم، وقت منقضی نشده بود.

در این فرض، بین جریان قاعده فراغ نسبت به نمازی قبلی (نماز عصر) و استحباب بقاء جنابت تا نماز بعدی (نماز مغرب) تعارض می‌شود و نمی‌توان گفت که قاعده فراغ، مخصّص استحباب بقاء جنابت است چون علم اجمالی وجود دارد، پس بین قاعده فراغ و استحباب بقاء جنابت تعارض است زیرا مکلف علم دارد که یا برای نماز عصر غسل جنابت را انجام نداده است که در این صورت، استحباب بقاء بر جنابت، مطابق با واقع است و قاعده فراغ خلاف واقع است و یا قبل از نماز عصر غسل جنابت را انجام داده است که در این صورت، قاعده فراغ مطابق با واقع است و استحباب بقاء جنابت خلاف واقع است، بنابراین با توجه به این علم اجمالی، بین قاعده فراغ و استحباب بقاء جنابت تعارض است.

نکته: در فرض مذکور که مکلف نماز عصر را خوانده است و وقت آن منقضی شده است، اعاده نماز عصر لازم نیست چون با انقضاء وقت نماز عصر، مکلف به سقوط امر مولا قطع دارد مگر اینکه گفته شود که وجوب اعاده نماز عصر به امر جدید است، لکن چون امر جدیدی نیز در کار نیست، نسبت به وجوب اعاده نماز عصر، برائت جاری می‌شود چون شک در تکلیف جدید مجرای برائت است، پس عدم لزوم اعاده نماز عصر از باب تمسک به قاعده فراغ نیست، بلکه از باب سقوط امر مولی است چون مولی به خواندن نماز عصر امر کرده بود و مکلف نیز نماز عصر را خوانده است و وقت آن نیز منقضی شده است لذا با انقضاء وقت آن، امر مولی ساقط شده است و وقتی امری در کار نباشد، اعاده نماز عصر واجب نخواهد بود، پس عدم لزوم اعاده نماز عصر یا به خاطر سقوط امر مولی یا به خاطر امتثال امر مولی از طرف مکلف است.

«الحمد لله رب العالمین»